

دستور زبان فارسی

بر اساس نظریه‌ی
گروه‌های خودگردان
در دستور و امستگ

امید طبیبزاده



نشر مرکز

دستور زبان فارسی

بر اساس نظریه‌ی گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی

امید طیب‌زاده

طرح جلد: ابراهیم حق‌شیر

© نشر مرکز چاپ اول ۱۳۹۱، شماره‌ی نشر ۱۰۰۰۶۹، نسخه، چاپ فرارنگ

شابک: ۹۶۴-۲۱۳-۱۵۹-۴-۱۷۸

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لاله خیابان باغ‌طاهر، شماره‌ی ۸

تلفن: ۸۸۹۷۰۴۶۲-۳ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

Email: info@nashr-e-markaz.com

همه‌ی حقوق محفوظ است.

تکثیر، انتشار، بازنویسی و ترجمه‌ی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه از جمله:

فتوکی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازرایی و بخش بدون دریافت مجوز

کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

طیب‌زاده، امید، ۱۳۹۰ -

سرشناسه:

دستور زبان فارسی: بر اساس نظریه‌ی گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی / امید طیب‌زاده.

عنوان و نام پدیدآور:

تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۰.

مشخصات نشر:

چهارده، ۲۸۲ ص: جدول، نمودار.

مشخصات ظاهری:

فارسی - دستور زبان زایشی، نظریه‌ی حاکمیت و وابستگی (زبان‌شناسی)، دستور زبان نقش و واژگانی

موضوع:

۱۳۹۰ ۲۵۵۵ ط ۲۶۸۸ PIR

رده‌بندی کنگره:

۲۶۵

رده‌بندی دیویی:

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۲۴۴۷۷۹۸

فهرست

۱	اصطلاحات، اختصارات و علائم
۳	پیشگفتار و مقدمه
۱۰	فصل یکم: مبانی نظری دستور وابستگی و نظریه گروه‌های خودگردان
۱۰	دو فرض اصلی: پنج عنصر در هر گروه، و روابط وابستگی میان آنها
۱۱	پنج عنصر در گروه‌های نحوی
۱۳	روابط وابستگی در گروه‌های نحوی
۱۵	تفاوت‌های گروه‌های نحوی گوناگون با هم
۱۷	نمونه‌ای از شبکه روابط وابستگی در میان پنج عنصر
۲۰	نظریه گروه‌های خودگردان
۲۱	روابط وابستگی و ترتیب کلمات
۲۴	پرسش‌ها
۲۴	پاسخ‌ها
۲۶	فصل دوم: مروری دیگر بر دستور وابستگی و نظریه گروه‌های خودگردان
۲۷	زبان در مقام یک نظام یا سیستم
۲۸	دستور صورت‌گرا
۲۹	صورت و نقش دستوری
۳۰	هسته و وابسته
۳۰	انواع وابسته‌ها
۳۱	متمم‌های اجباری
۳۲	متمم‌های اختیاری
۳۲	افزوده‌های خاص
۳۳	افزوده‌های عام
۳۳	نظریه گروه‌های خودگردان
۳۵	روابط وابستگی در سطح جمله

۳۷	روابط وابستگی در سطح گروه اسمی
۳۹	روابط وابستگی در سطح گروه صفتی
۴۱	ساخت‌های ظرفیتی و ساخت‌های بنیادین
۴۴	پرسش‌ها
۴۵	پاسخ‌ها
۴۷	منابعی برای مطالعه بیشتر
۴۸	فصل سوم: هروری بر وابسته‌های فعل و اسم و صفت
۵۲	وابسته‌های فعل
۵۲	متمم‌های فعل
۵۴	افزوده‌های فعل و جمله
۵۵	وابسته‌های اسم
۵۶	متمم‌های اسم
۵۸	افزوده‌های اسم
۶۲	قیدهای استثنائی
۶۲	وابسته‌های صفت
۶۲	متمم‌های صفت بیانی
۶۴	افزوده‌های صفت
۶۵	وابسته‌های گروه حرف اضافه‌ای و قیدی
۶۵	هسته و وابسته در گروه حرف اضافه‌ای
۶۶	هسته و وابسته در گروه قیدی
۶۶	روابط وابستگی در گروه‌های خودگردان
۶۷	روابط وابستگی در گروه‌هایی با ترتیب آزاد کلمات
۶۷	روابط وابستگی در گروه‌هایی با ترتیب غیر آزاد کلمات
۷۱	پرسش‌ها
۷۲	پاسخ‌ها
۷۴	فصل چهارم: فعل و وابسته‌های فعل
۷۵	انواع فعل از حیث متمم‌پذیری
۷۶	افعال کمکی
۷۷	افعال وجهی
۷۸	افعال ربطی
۸۰	افعالی به صیغه منفی
۸۱	فعل مرکب
۸۲	تحقیقات پیشین
۸۵	زنجره‌هایی که فعل مرکب نیستند
۹۰	افعال مرکب جداشدنی
۹۵	«رای» تأکید همراه
۹۶	متمم‌های فعل
۹۶	فاعل
۹۷	فاعل اسمی

۱۰۱		متمم مستقیم
۱۰۳		متمم حرف اضافه‌ای
۱۰۵		متمم اضافه‌ای
۱۱۱		متمم بندی
۱۱۳		مسند
۱۱۵		تمیز
۱۱۶		متمم قیدی
۱۱۷		افزوده‌های فعل و جمله
۱۱۷		قیده‌های ذاتی و قیده‌های غیر ذاتی
۱۱۸		افزوده خاص (قید فعل)
۱۱۸		افزوده عام (قید جمله)
۱۲۱		تفاوت‌های افزوده خاص (قید فعل) با افزوده عام (قید جمله)
۱۲۲		ساخت‌های بنیادین اصلی و مشتق
۱۲۵		پرسش‌ها
۱۲۷		پاسخ‌ها
۱۳۴		منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۳۵		فصل پنجم: روابط وابستگی در جمله
۱۳۵		روابط وابستگی و ترتیب عناصر در جمله
۱۳۶		فاعل
۱۳۷		نمایش فاعل
۱۳۸		مسند در جمله‌های اسنادی
۱۳۹		جمله‌های اصلی و جمله‌های مشتق
۱۴۱		پرسش‌ها
۱۴۱		پاسخ‌ها
۱۴۵		فصل ششم: ساخت‌های بنیادین اصلی در فارسی
۱۴۷		ساخت‌های بنیادین تک‌ظرفیتی
۱۴۷		یک) افا
۱۴۷		دو) افا بند
۱۴۷		سه) افا بند مرخم
۱۴۷		ساخت‌های بنیادین دوظرفیتی
۱۴۷		چهار) افا بند، مس
۱۴۷		پنج) افا، مت
۱۴۸		شش) افا، متج
۱۴۸		هفت) افا، متا
۱۴۸		هشت) افا، متب
۱۴۸		نه) افا، مس
۱۴۸		ده) افا، متق
۱۴۸		یازده) افا بند، متج
۱۴۸		ساخت‌های بنیادین سه‌ظرفیتی

۱۴۸	دوازده) افا، مت، متح
۱۴۹	سیزده) افا، مت، متا
۱۴۹	چهارده) افا، مت، متب
۱۴۹	پانزده) افا، مت، تم
۱۴۹	شانزده) افا، مت، متق
۱۴۹	هفده) افا، متح، متح
۱۴۹	هجده) افا، متح، متا
۱۴۹	نوزده) افا، متح، متب
۱۴۹	بیست) افا، متح، تم
۱۵۰	بیست و یک) افا، متا، متب
۱۵۰	ساخت‌های بنیادین چهار ظرفیتی
۱۵۰	بیست و دو) افا، مت، متح، متب
۱۵۰	بیست و سه) افا، متح، متب
۱۵۰	بیست و چهار) افا، متح، متا، متب
۱۵۰	ساخت‌های بنیادین پر کاربرد
۱۵۱	چگونگی استخراج و نمایش حمله‌های بنیادین
۱۵۷	پرسش‌ها
۱۵۸	پاسخ‌ها
۱۶۲	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۶۳	فصل هفتم: ساخت‌های بنیادین مشتق
۱۶۴	فرایند مجهول‌ساز
۱۶۵	مجهول در افعال لازم
۱۶۶	مجهول غیر شخصی
۱۶۷	مجهول در افعال بسیط
۱۶۷	مجهول در افعال مرکب با همکرد غیر «کردن»
۱۶۸	مجهول در افعال مرکب با همکرد «کردن»
۱۶۹	فرایند اسنادی - سببی‌ساز
۱۷۰	فرایند اسنادی‌ساز
۱۷۳	ساخت‌های معلوم و مجهول، غیر سببی و سببی، و افعال ضد سببی
۱۷۹	پرسش‌ها
۱۷۹	پاسخ‌ها
۱۸۲	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۸۳	فصل هشتم: نقش‌های مختلف فعل «شدن»
۱۸۳	فعل ربطی
۱۸۳	فعل ربطی در جمله‌های اسنادی کامل
۱۸۴	فعل ربطی در جمله‌های اسنادی ناقص
۱۸۶	فعل ربطی در جمله‌های اسنادی با فاعل بندی
۱۸۷	همکرد در فعل‌های مرکب پی‌بستی
۱۸۷	فعل کمکی مجهول‌ساز

۱۸۹	فعل وجهی
۱۹۰	فعل کمکی در صورت مجهول یا ناگذرای افعال دووجهی
۱۹۱	فعل بسیط
۱۹۱	جمع‌بندی در مورد نقش‌های فعل «شدن»
۱۹۳	پرسش‌ها
۱۹۳	پاسخ‌ها
۱۹۶	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۹۷	فصل نهم: وابسته‌های اسم
۱۹۷	متمم‌های اسم
۱۹۸	متمم‌های اجباری اسم
۲۰۰	متمم‌های اختیاری اسم
۲۰۱	ویژگی‌های ساخت‌های ظرفیتی اسم
۲۰۳	ساخت صوری و ساخت نحوی
۲۰۴	اسم گردانی
۲۰۶	انواع متمم‌های اسم
۲۰۷	متمم حرف اضافه‌ای
۲۰۸	متمم اضافه‌ای
۲۰۸	متمم بندی
۲۱۰	افزوده‌های اسم
۲۱۰	افزوده‌های پیشین اسم (افزوده‌های عام)
۲۲۹	وابسته‌های پسین اسم (افزوده‌های خاص)
۲۳۷	معضل مصدر
۲۳۸	اسم‌های مشخص، نامشخص، معرفه و نکره
۲۴۰	اسم‌های مرکب انضمامی و گروه‌های اسمی
۲۴۲	تفاوت میان اسم‌های مرکب انضمامی و گروه‌های اسمی
۲۴۳	قیده‌های استثنائی
۲۴۴	نقش‌های گروه اسمی
۲۴۵	پرسش‌ها
۲۴۵	پاسخ‌ها
۲۴۷	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۴۸	فصل دهم: روابط وابستگی در گروه‌های اسمی
۲۴۹	روابط وابستگی افزوده‌ها و هسته در گروه اسمی
۲۵۶	روابط وابستگی متمم‌ها و هسته در گروه اسمی
۲۵۹	پرسش‌ها
۲۶۰	پاسخ‌ها
۲۶۵	فصل یازدهم: وابسته‌های صفت
۲۶۶	متمم‌های اجباری و اختیاری صفت
۲۶۹	انواع ساخت‌های ظرفیتی صفت

۲۷۰	انواع متمم‌های صفت
۲۷۰	متمم حرف اضافه‌ای
۲۷۵	متمم اضافه‌ای
۲۷۶	متمم بن‌دی صفت
۲۷۷	صفت‌های تفضیلی و عالی
۲۷۹	افزوده‌های صفت
۲۷۹	افزوده‌ی بیشین (عام)
۲۷۹	افزوده‌ی یکن (خاص)
۲۸۰	نقش‌های گروه صفتی
۲۸۱	پرسش‌ها
۲۸۱	پاسخ‌ها
۲۸۴	فصل دوازدهم: روابط وابستگی در گروه‌های صفتی
۲۸۴	روابط وابستگی میان افزوده‌ها و هسته در گروه صفتی
۲۸۵	روابط وابستگی میان انواع متمم‌ها و هسته در گروه صفتی
۲۸۶	متمم اضافه‌ای
۲۸۶	متمم حرف اضافه‌ای
۲۸۷	متمم بن‌دی
۲۸۷	روابط وابستگی میان چند متمم و چند افزوده
۲۸۹	پرسش‌ها
۲۹۰	پاسخ‌ها
۲۹۲	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۹۳	فصل سیزدهم: گروه‌های حرف اضافه‌ای
۲۹۴	روابط وابستگی در گروه‌های حرف اضافه‌ای
۲۹۶	نقش‌های گروه‌های حرف اضافه‌ای
۲۹۷	پرسش‌ها
۲۹۷	پاسخ‌ها
۲۹۹	منابعی برای مطالعه بیشتر
۳۰۰	فصل چهاردهم: گروه‌های قیدی
۳۰۱	قیده‌های ذاتی و غیرذاتی
۳۰۱	قیده‌های ذاتی ساده
۳۰۱	قیده‌های ذاتی مشتق
۳۰۱	قیده‌های ذاتی مرکب
۳۰۲	قیده‌های ذاتی مشتق-مرکب
۳۰۲	قیده‌های ذاتی اصطلاحی
۳۰۲	وابسته‌های قید در گروه‌های قیدی
۳۰۲	متمم حرف اضافه‌ای برای قیده‌های تفضیلی
۳۰۳	افزوده مقدار برای قیدها
۳۰۳	روابط وابستگی در گروه‌های قیدی

۳۰۷	پرسش‌ها
۳۰۷	پاسخ‌ها
۳۰۸	منابعی برای مطالعه بیشتر
۳۰۹	فصل پانزدهم: بندهای پیرو قیدی در جمله‌های مرکب
۳۱۰	قیدهای وابسته‌ساز
۳۱۱	قیدهای وابسته‌ساز ساده
۳۱۱	قیدهای وابسته‌ساز مرکب
۳۱۲	روابط وابستگی در جمله‌های مرکب
۳۱۴	بند پیرو قیدی تقلیل یافته یا گروه حرف اضافه‌ای
۳۱۶	پرسش‌ها
۳۱۶	پاسخ‌ها
۳۱۸	فصل شانزدهم: گروه‌های هم‌پایه
۳۱۹	حروف ربط
۳۲۰	حروف ربط ساده
۳۲۰	حروف ربط مرکب
۳۲۱	گروه‌های هم‌پایه غیر فعلی
۳۲۱	نمایش گروه‌های هم‌پایه غیر فعلی
۳۲۲	انواع گروه‌های هم‌پایه غیر فعلی
۳۲۳	گروه‌های هم‌پایه حرف اضافه‌ای
۳۲۴	جمله‌های هم‌پایه (گروه‌های هم‌پایه فعلی)
۳۲۵	نمایش جمله‌های هم‌پایه
۳۲۷	حذف حروف ربط از جمله‌های هم‌پایه
۳۲۸	روابط وابستگی در گروه‌های هم‌پایه
۳۲۸	روابط وابستگی در گروه‌های هم‌پایه غیر فعلی
۳۳۰	روابط وابستگی در جمله‌های هم‌پایه
۳۳۲	پرسش‌ها
۳۳۲	پاسخ‌ها
۳۳۵	فصل هفدهم: جمله‌های بدون فعل
۳۳۵	جمله‌های ندایی
۳۳۶	جمله‌های اسمی
۳۳۶	شبه جمله‌ها
۳۳۷	اصوات
۳۳۸	پرسش‌ها
۳۳۸	پاسخ‌ها
۳۳۹	فصل هجدهم: گروه‌های خودگردان، روابط وابستگی، و ترتیب کلمات
۳۳۹	اصول روابط وابستگی در فارسی
۳۳۹	اصول روابط وابستگی در گروه‌هایی با ترتیب آزاد کلمات
۳۴۱	اصول روابط وابستگی در گروه‌هایی با ترتیب غیر آزاد کلمات

۳۴۴	پرسش‌ها
۳۴۴	پاسخ‌ها
۳۵۰	فصل نوزدهم: تحلیل ۲۰۰ جمله و ساخت‌های بنیادین آنها
۳۵۳	۱. خانلری (۱۳۶۶: ج ۱، ۱۱ تا ۱۳)
۳۵۹	۲. ذکاءالملک فروغی (۱۹۲۰، ۳ تا ۵)
۳۶۷	۳. ریاحی (۱۳۸۰، ۱۱ تا ۱۲)
۳۷۲	۴. سمیعی (۱۳۷۸، ۳)
۳۸۰	۵. صادقی (۱۳۸۲، ۲ و ۳)
۳۸۷	۶. طباطبایی (۱۳۸۴، ۲۶ تا ۲۷)
۳۹۳	۷. مجتبی‌ای (۱۳۸۱، ۴ تا ۵)
۴۰۲	۸. معصومی‌ممدانی (۱۳۷۰، ۴ تا ۵)
۴۰۸	۹. مینوی (۱۳۷۲، ۱ تا ۲)
۴۱۵	۱۰. نجفی (۱۳۷۸، پنج تا هفت)
۴۲۳	واژه‌نامه توصیفی
۴۶۳	فهرست مآخذ
۴۷۱	نمایه

اصطلاحات، اختصارات و علائم

noun	اسم	ا
noun-adjective	اسم - صفت	اص
genitive adjunct	افزوده اضافه‌ای	افا
specific adjunct	افزوده خاص	افخ
general adjunct	افزوده عام	افع
subordinate clause	بند پیرو	بپ
main clause	بند پایه	بپا
adverbial clause	بند پیرو قیدی	ببِق
apposition	بدل	بدل
object complement	تمیز	تم
coordinate sentences	جمله‌های همپایه	جهپ
preposition	حرف اضافه	ح
argument structure	ساخت موضوعی	
basic structure	ساخت بنیادین	س ب
sentence structure	ساخت جمله	س ج
quantifier		سور
adjective	صفت	ص
valency		ظرفیت
verb	فعل	ف
subject	فاعل	فا
subject clause	فاعل بندی	فابند
	فاعل بندی مرخم	فابندم
adverb	قید	ق
	قید وابسته‌ساز	ق و
phrase	گروه	گ
noun phrase	گروه اسمی	گا

prepositional phrase	گروه حرف اضافه‌ای	گ ح
coordinate phrase	گروه هم‌پایه	گهپ
predicate		گزاره
direct object/ complement	متمم مستقیم	مت
genitive object/ complement	متمم اضافه‌ای	منا
obligatory complement	متمم اجباری	مناج
optional complement	متمم اختیاری	مناخ
complement clause	متمم بندی	مب
prepositional object/ complement	متمم حرف اضافه‌ای	مخ
adverb complement	متمم قیدی	متق
passive		مجهول
subject complement	مسنند	مس
active		معلوم
subject		نهاد
dependency		وابستگی
predicative		وصفی
coordinate	هم‌پایه	هپ
it changes into	تبدیل می‌شود به	←
	مرز میان دو عنصر	,
either or	یا این، یا آن	.../...
optional element	عنصر اختیاری	(...)
fundamental structure	ساخت بنیادین	...
valancy structure	ساخت ظرفیتی	<...>
phrase	گروه	[...]
head	هسته	[...]
specific adjunct	افزوده خاص	[.../...]
general adjunct	افزوده عام	[...-...]
	گروه میان یک عنصر گسسته	-[...]-
	سازه میان یک عنصر گسسته	-...-
autonomous phrases	گروه خودگردان	[...]
ungrammatical sentence	جمله غیردستوری	*
incomplete or text-bound sentence	جمله ناقص یا وابسته به بافت	??
marked or odd sentence	جمله عجیب یا نشان‌دار	?

پیشگفتار و مقدمه

پنج سال پیش که کتاب **ظرفیت فعل** را به ناشر تحویل می‌دادم، می‌دانستم که مباحث آن چندانکه باید و شاید پخته و آماده نیست، اما چون تصور می‌کردم که دیگر فرصتی برای کار بیشتر نمانده است - یعنی راستش گمان می‌کردم پیاپام عنقریب است که لبریز شود! - با این آرزو که دیگرانی بیایند و دنبال کار را بگیرند و بحث را پیش ببرند، کتاب را تحویل دادم و به خانه رفتم. اما در این پنج سال چه گذشت: دو نقد بر آن کتاب نوشته و چاپ شد (طباطبایی ۱۳۸۷؛ نغزگوی کهن ۱۳۸۶)، خود من و دوستان دیگر کتاب را چندین و چند بار در کلاس‌های درس «ساخت زبان فارسی» و «دستور زبان فارسی» در دوره‌های ارشد و دکتری زبان‌شناسی و ادبیات فارسی تدریس کردیم؛ از آن گذشته دانشجویان بسیاری مخصوصاً در حوزه‌پردازش زبان و برنامه‌نویسی، آن کتاب نصف و نیمه را مبنای تحلیل‌ها و تقطیعات و کارهای خود در زمینه پردازش زبان فارسی قرار دادند و هرازگاهی سؤالات خود را از من پرسیدند و امکانات و راه‌های جدیدی را بر من آشکار کردند؛ به علاوه چند رساله کارشناسی ارشد در زمینه ظرفیت فعل و اسم و صفت به راهنمایی خود اینجانب تدوین شد (کیبیری ۱۳۸۵؛ سیف‌اللهی ۱۳۸۷؛ کلالی ۱۳۸۹؛ کرباسی ۱۳۸۹؛ بدیعی ۱۳۹۰؛ فرانہ ۱۳۹۰) و یک نقد مفصل هم به عنوان تکلیف دانشگاهی بر آن نوشته و ارائه شد (پیرحیاتی ۱۳۸۹)؛ همچنین شش شماره ارزشمند از مجله **دستور** به سردبیری دکتر محمد دبیرمقدم منتشر شد، و چند کتاب بسیار مهم نیز در زمینه دستور فارسی (مخصوصاً حق‌شناس و دیگران ۱۳۸۵) و دستور وابستگی (مخصوصاً آگل و دیگران ۲۰۰۳) به دستم رسید که همه و همه این موارد دید بنده را درباره دستور و مخصوصاً روابط وابستگی میان عناصر جمله وسعت و قوت بیشتری بخشید. و البته پُر واضح است که مهم‌ترین اتفاقی هم که در این پنج سال برای من رخ داد - یا بهتر است بگویم رخ نداد -، همانا پرنشدن پیاپام بود و فراهم آمدن فرصتی برای پرداختن هرچه بیشتر و عمیق‌تر به موضوع! این همه، و نیز اینکه تمام نسخه‌های کتاب در مدتی کمتر از سه سال به فروش رفته بود، سبب شد تا یک بار دیگر عزمم را جزم کنم، و این بار با دست پرت‌تر و انگیزه بیشتر به مصاف بحث بروم، و حاصل در پایان کار همین کتابی شد که اینک پیش روی شماست. البته می‌دانم که بحث هنوز به فرجام و قوامی شایسته نرسیده است، اما این را هم به یقین می‌دانم که کتاب

حاضر بسیار کامل‌تر از آن کتابی است که پنج سال پیش با خوف و رجا تحویل ناشر داده بودم؛ یعنی اگر آن کتاب مفید و قابل استفاده بود، این یکی به مراتب مفیدتر و قابل استفاده‌تر از آن خواهد بود. در آن کتاب تنها به ظرفیت فعل‌های فارسی و ساخت‌های بنیادین جمله در این زبان پرداخته بودم، اما در این کتاب ضمن بحث درباره ظرفیت اجزاء کلام دیگر، چون اسم و صفت و حرف اضافه و قید، کوشیده‌ام تا نظریه‌ای را عرضه کنم که با آن بتوان جمله‌های فارسی رسمی معیار را براساس شبکه‌ای مدلل از روابط وابستگی به ریزترین واحدهای واژگانی‌شان تجزیه کرد و صورت و نقش دستوری هر کدام را باز نمود.

در کتاب حاضر نکاتی را طرح کرده‌ام که کاملاً متفاوت با برخی مباحث کتاب قبل است. این را از آن روی تشریح می‌کنم تا کسانی که کتاب قبلی را خوانده‌اند، با آگاهی از این اختلافات به مطالعه کتاب حاضر بپردازند مثلاً در آن کتاب سخن از افعال مرکب ربطی به میان آورده بودم (مثلاً «امید بودن، بهتر بودن، ضروری بودن، لازم بودن، یقین بودن» و مانند آن)، اما در این کتاب، به دنبال بحث‌های مفصلی که با دکتر محمد راضی مهندس داشتیم، عاقبت قانع شدم که این ترکیبات، فعل مرکب نیستند، بلکه ساخت‌هایی اسنادی هستند که فاعل آنها به شکل یک بند ظاهر می‌شود (مثلاً: جمله‌ای چون «لازم است که برویم» به شکل زیر تحلیل می‌شود: «[لازم‌مسند] [است فعل ربطی] [که برویم فاعل بندی] جمله اسنادی»)، و طرفه اینکه این تحلیل هم ساده‌تر است، هم با دیدگاه‌های رده‌شناختی در زبان‌های گوناگون انطباق و همخوانی بیشتری دارد، و هم چنانکه خواهیم دید با کمک آن بعضی ساخت‌های مشابه دیگر زبان فارسی را با دقت و سادگی بیشتری می‌توان تحلیل کرد. بنابراین در کتاب حاضر دیگر با مفاهیمی چون «افعال غیر شخصی با فاعل صفر» و «افعال غیر شخصی با فاعل محذوف» کاری نداریم، و بجای آن از تحلیل ساده‌تری استفاده می‌کنیم که اجمالاً بدان اشاره شد. و به تفصیل در موردش بحث خواهیم کرد. دیگر اینکه از تعداد متمم‌های قیدی فعل کاستم و این متمم را محدود به مواردی دانستم که حذف قید باعث بدساخت شدن جمله می‌شود (مثلاً قید در مورد فعل «رفتار کردن» یک متمم قیدی است زیرا حذف آن باعث بدساخت شدن جمله می‌شود: «او [با ممانعت متمم قیدی] اما مهمانان رفتار کرد»، در مقابل «او با مهمانان رفتار کرد»، که اولی کاملاً صحیح، و دومی آشکارا ناصحیح است).

از دیگر نکاتی که به هنگام مطالعه این کتاب باید بدان توجه داشت، تفاوتی است که رویکرد ما با رویکرد حاکم بر دستور سنتی و نیز دستور زایشی در مباحثی همچون تجزیه جمله، تحلیل مسند و تحلیل افعال وجهی دارد. در دستورهای سنتی و زایشی و بسیاری دستورهای دیگر، نخستین گام در تحلیل نحوی جمله عبارت است از تجزیه جمله به دو گروه اسمی (نهاد) و فعلی (گزاره). این شیوه تحلیل که همواره از کل به جزء حرکت می‌کند و ریشه در آراء افلاطون و ارسطو دارد، هنوز نیز رویکرد غالب در بسیاری از نظریه‌های دستوری است. اما ما در این کتاب، براساس نظریه وابستگی،

معتقدیم که هر سازه نحوی، بر اساس رابطه‌ای بین یک هسته و صفر تا چند وابسته شکل می‌گیرد، و از این رو وظیفه زبان‌شناس شناسایی همین روابط وابستگی و شرح و تفسیر آنهاست. پس در کتاب حاضر تحلیل جمله از شناسایی هسته آن یعنی فعل مرکزی جمله و انواع وابسته‌های آن آغاز می‌شود، و این روش تحلیل سازه‌ها به هسته و وابسته‌هایش، تا شناسایی آخرین عناصر تحلیل نحوی، یعنی واحدهای واژگانی و روابط میان آنها ادامه می‌یابد.

تفاوت دیگر روش من با روش بسیاری از دستورنویسان سنتی و دستورنویسان زایشی این بوده است که کوشیده‌ام تا تحلیل‌های خود را تماماً بر شواهد برگرفته از پیکره‌های واقعی زبانی استوار کنم، و نه فقط بر مثال‌های برساخته خودم. هم از این رو سب که گاه جمله‌هایی در این کتاب طرح و شرح و تحلیل شده است که در مقام ویراستار هیچگاه اجازه ورود آنها را به چاپ‌خانه نداده بوده‌ام! مثلاً بنا بر شم زبانی اینجانب، وجود «این» در آغاز جمله «این علی بود که سخن گفت» زاید است و حتماً باید حذف شود، اما وقتی در پیکره خود بارها و بارها به جمله‌ای برخوردیم مانند «این نفرت و کینه شدید مردم... بود که... مازیار را به اندیشه استقلال‌طلبی انداخت» (زرین کوب ۱۳۸۳: ۲۱۱)، نه تنها آن را حذف نکردم، بلکه به ناچار کوشیدم تا در چهارچوب دیدگاه نظری خود، وجود آن «این» به اصطلاح زاید را از حیث دستوری نیز شرح دهم.

در برخی از دستورها، مسند و فعل ربطی با هم سازه مستقلی شبیه به فعل مرکب را پدید می‌آورند، درحالیکه از نظر ما، مسند در کنار فاعل از وابسته‌های فعل ربطی است. مثلاً در آن دستورها، تحلیل جمله‌ای اسنادی همچون «هوا سرد است»، به شکل «[هوانهاد]، [سرد است]» (= فعل مرکب) خواهد بود، درحالیکه ما این جمله را به شکل «[هوافاعل]، [سردمسند]، [است هسته]» تحلیل می‌کنیم، با این توضیح که فاعل و مسند در این جمله، هر دو از متمم‌ها یا وابسته‌های اجباری فعل ربطی «بودن» هستند. همچنین در بسیاری از نظریه‌های دستوری، و من جمله دستور زایشی، افعال وجهی «مثلاً «بایستن، توانستن، شدن»» فعل اصلی جمله محسوب نمی‌شوند، درحالیکه ما این افعال را فعل مرکزی جمله می‌دانیم زیرا دارای ساخت ظرفیتی هستند. مثلاً در دستور زایشی، فعل اصلی در جمله‌ای چون «او می‌تواند باید به دیدن مادرش برود»، فعل «رفتن» است، اما در کتاب حاضر، فعل اصلی در جمله فوق «توانستن» یا «بایستن» است، زیرا این افعال تعیین می‌کنند که آن جمله باید لزوماً با یک متمم بندی (در اینجا: «به دیدن مادرش برود») به کار برود. اینگونه تفاوت‌ها البته اندک نیستند، اما کسانی که کتاب حاضر را به عنوان یک دستور صورتگرای توصیفی می‌خوانند، در صورت آگاهی از این تفاوت‌ها و توجه به آنها، می‌توانند به سادگی تحلیل‌های نظری خودشان را جای‌گزین تحلیل‌های نظری کتاب حاضر بکنند و در نتیجه از مباحث این کتاب در نحله‌های نظری گوناگون دیگر نیز استفاده کنند.

تمام سعی خودم را به کار بسته‌ام تا کتاب را به زبانی ساده بنویسم، و این را هم می‌دانم که نسبت

به کتاب قبلی در این کار بسیار موفق‌تر بوده‌ام، اما واقعیت این است که خواننده این کتاب باید از قبل با برخی مفاهیم دستوری آشنایی داشته باشد و مثلاً دانشی در حد کتاب صادقی و ارژنگ (۱۳۵۹) یا باطنی (۱۳۴۸)، یا دست‌کم انوری و گیوی (۱۳۸۲) داشته باشد. در حال توصیف نگارنده به خوانندگان تازه کار و مبتدی کتاب این است که سه فصل آغازین کتاب را یک بار به اجمال و سریع بخوانند، و بار دوم با تأمل و دقت بیشتر به مطالعه همین فصول بپردازند. این امر سبب می‌شود که هرچه بیشتر با مبانی نظری حاکم بر کتاب آشنا شوند و از مباحث آن سردر بیاورند. از طرف دیگر در پایان هر فصل پرسش‌هایی را طرح کرده‌ایم، که آشنایی عمیق‌تر با بسیاری از مطالب کتاب مشروط به پرداختن به آنهاست. نگارنده به خوانندگان خود اکیداً توصیه می‌کند که به این پرسش‌ها پاسخ دهند، و سپس پاسخ‌های خود را با پاسخ‌هایی که بلافاصله به دنبال پرسش‌ها آمده است، مقایسه کنند. شرح بسیاری از نکات دستوری را در متن کتاب نیاورده‌ایم یا تنها با اشاره‌ای مختصر از آنها گذشته‌ایم، اما در بخش پرسش‌ها این نکات را طرح و در بخش پاسخ‌ها، به تفصیل به آنها پرداخته‌ایم و درموردشان سخن گفته‌ایم. دیگر اینکه در پایان برخی فصل‌ها، بخشی را تحت عنوان «منابعی برای مطالعه بیشتر» آورده‌ایم. توجه به منابع معرفی شده در این بخش‌ها که بیشتر به معرفی مقالات تخصصی اختصاص دارد، برای خوانندگانی که قصد مطالعات عمیق‌تر و تخصصی‌تر در مباحث گوناگون کتاب را دارند ضروری و سودمند است.

در این کتاب برای نمایش روابط وابستگی از دو روش گوناگون استفاده کرده‌ام، یکی ترسیم نمودارها و دیگری توصیف‌های پله‌پله. باید توجه داشت که نمودارها جنبه آموزشی دارند و هدف آنها صرفاً این است که خواننده را هرچه بیشتر و عمیق‌تر با ماهیت روابط وابستگی در عناصر یک و فقط یک گروه آشنا سازند؛ اما اگر قرار باشد کلیه روابط وابستگی در تمام گروه‌های تشکیل‌دهنده یک جمله را صرفاً از طریق نمودارها نمایش دهیم، با شکل بیش از حد پیچیده‌ای مواجه خواهیم شد که سردرآوردن از آن بسیار دشوار خواهد بود. بنابراین برای نمایش روابط وابستگی در بین کلیه عناصر یک جمله از روش ساده‌تر و گویاتر توصیف پله‌پله استفاده می‌کنیم. در این روش برای نمایش روابط وابستگی، از بزرگ‌ترین گروه آغاز می‌کنیم و پس از تعیین عناصر اصلی و روابط میان آنها، به سراغ عناصر کوچک‌تری که در قالب گروه‌های ریزتری ظاهر شده‌اند می‌رویم. این شیوه را آنقدر ادامه می‌دهیم تا به ریزترین عناصر، یعنی واحدهای واژگانی که عناصر کمینه در تحلیل‌های نحوی محسوب می‌شوند برسیم.

در این کتاب نیز چون کتاب قبل تمام سعی خودم را معطوف به بررسی ظرفیت نحوی کلمات کرده‌ام و هیچ توجهی به ظرفیت معنایی آنها نداشته‌ام زیرا معتقدم تا توصیف جامع و محکمی از ظرفیت نحوی کلمات و مخصوصاً افعال نداشته باشیم، نمی‌توانیم به بحث درباره ظرفیت معنایی آنها بپردازیم.

امیدوارم که این کتاب مبتنی قابل اعتمادی را برای پرداختن به بحث ظرفیت‌های معنایی کلمات فراهم آورد. همچنین کوشیده‌ام تا در چهارچوب نظریه صورت‌گرای وابستگی به بررسی ساخت جمله در زبان فارسی بپردازم، بگونه‌ای که تمام تحلیل‌ها، مدلل و مبتنی بر روابط وابستگی میان گروه‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده جمله باشد. این امر به تدریج من را به نظریه‌ای رساند که از آن با عنوان نظریه «گروه‌های خودگردان» یاد کرده‌ام. این نظریه خودبخود برای تحلیل جمله‌های فارسی شکل گرفت، اما نگارنده معتقد است که از آن می‌توان برای تحلیل زبان‌های دیگر نیز استفاده کرد، زیرا این نظریه بیش از هر چیز مبتنی بر روابط صوری وابستگی میان هسته‌ها و وابسته‌هاست، یعنی روابطی که اساس و شالوده تمام زبان‌ها را تشکیل می‌دهد. در فصل اول و دوم کتاب به تفصیل درباره این نظریه سخن گفته‌ام و در اینجا تنها به ذکر این مختصر اکتفا می‌کنم که در نظریه گروه‌های خودگردان، ابتدا هر گروه نحوی (مثلاً جمله، گروه اسمی، گروه صفتی، گروه حرف اضافه‌ای و غیره) را به یک و فقط یک هسته، و چهار نوع وابسته محتمل، شامل متمم‌های اجباری، متمم‌های اختیاری، افزوده‌های خاص و افزوده‌های عام تجزیه می‌کنیم، و سپس روابط وابستگی را در میان هسته و وابسته‌هایش درون هریک از این گروه‌های نحوی تعیین می‌کنیم. روابط وابستگی در درون گروه‌هایی که دارای ترتیب کلمات آزاد هستند متفاوت با همین روابط در گروه‌هایی است که ترتیب کلمات در آنها آزاد نیست. خلاصه اینکه در گروه‌هایی که دارای ترتیب کلمات آزاد هستند، مثلاً در جمله‌ها، ابتدا تمام متمم‌ها با هم به هسته وابسته می‌شوند، سپس تمام افزوده‌های خاص با هم به مجموع هسته و متمم‌هایش وابسته می‌شوند، و بالاخره در پایان تمام افزوده‌های عام به کل جمله وابسته می‌شوند. اما در گروه‌هایی که دارای ترتیب کلمات غیر آزاد یا مقید هستند، مثلاً در گروه‌های اسمی، ابتدا تمام متمم‌ها با هم به هسته وابسته می‌شوند، سپس افزوده‌های خاص تک‌به‌تک و به ترتیب از نزدیک‌ترین افزوده تا دورترین آنها به هسته و متمم‌هایش وابسته می‌شوند، و بالاخره در پایان افزوده‌های عام نیز تک‌به‌تک و به ترتیب از نزدیک‌ترین افزوده تا دورترین آنها به کل جمله وابسته می‌شوند. این شیوه تحلیل آنقدر ادامه می‌یابد تا نهایتاً براساس شبکه‌ای مدلل از روابط وابستگی میان هسته‌ها و وابسته‌ها در گروه‌های نحوی گوناگون، صورت نقش تک‌تک واحدهای واژگانی، یعنی ریزترین عناصر در تحلیل‌های نحوی روشن شود، و کار تحلیل نحوی به پایان برسد.

ساختارها زبان را مجموعه ساختمندی از واحدهایی در نظر می‌گیرند که از هر چه در بیرون از زبان قرار دارد، مثلاً بافت و محیط یا توانایی‌های شناختی و غیره، کاملاً مجزا است (هادسون ۲۰۱۰، ۱۰۷). نگارنده نیز در این کتاب از روشی کاملاً ساختگرایانه برای توصیف زبان فارسی پیروی کرده است، اما در عین حال تذکر این نکته را ضروری می‌داند که به اعتقاد او تنها بخشی از چنان مجموعه ساختمندی می‌تواند حاصل کشفیات زبان‌شناسان باشد، و بخش دیگر آن لاجرم حاصل تأویل‌ها و برداشت‌های

نظری آنان از زبان خواهد بود - و اگر جز از این می بود تمام توصیف های ساختگرایانه از یک زبان واحد باید یک شکل و عیناً مانند هم می بودند. دستور زبان همچون جورچینی است که اولاً اجزاء یا قطعات تشکیل دهنده آن را به اشکال مختلف می توان در کنار هم چید، و ثانیاً به هر شکلی هم که این اجزاء را در کنار هم بچینیم، باز چند قطعه ای باقی می ماند که در هیچ کجای تصویر اصلی نمی گنجند. این قطعات اضافه استثنائاتی هستند که وجودشان در زبان ناگزیر است و هر گونه تلاشی برای گنجاندن آنها در اصل تصویر، باعث بیش از حد انتزاعی شدن کار توصیف زبان می شود. به اعتقاد نگارنده دستور وابستگی به ما کمک می کند تا تصویری هر چه واقع گرایانه تر و بدورتر از تأویل های پیچیده و انتزاعی از ساخت زبان داشته باشیم.

به باور نگارنده، زبان چیزی جز صورت نیست؛ و نقش های گوناگونی هم که برای زبان در نظر گرفته می شود، همه از پی همین صورت پدید می آیند و بر آن استوار می شوند. چنین تعریفی از صورت البته منوط به این تذکر و شرط است که تغییرهایی چون تفاوت های زمانی و مکانی به گونه ای دقیق چنان کنترل شوند تا زبانی یک دستورالیه تصنعی که به اصطلاح در شرایطی کاملاً آزمایشگاهی قرار دارد، بدست آید. تا تحلیلی دقیق از صورت زبان نداشته باشیم، نمی توانیم به بررسی دقیق نقش های گوناگون آن، و مخصوصاً نقش ارتباطی که مهم ترین نقش زبان است، پردازیم. این بحث اگر ادامه یابد ما را نهایتاً به سؤالی می رساند که پاسخ دقیق آن در ادوار بسیار دور مربوط به خلقت و تکامل زیستی و اجتماعی انسان نهفته است: آیا زبان به تدریج و به دنبال شناخت انسان از توانایی های خودش و براساس آنها شکل گرفته است، یا اینکه شناخت انسان از جهان، و اساساً انسان بودن انسان - در مقابل انسان نبودن جانداران دیگر-، مبتنی بر همین قابلیت و قوه زبانی است که در دوره ای از ادوار تکامل وی «به ناگاه» و «به هر علتی» برایش حاصل آمد؟ راه پاسخ دادن به این سؤال در حال حاضر جز از طریق گمانه زنی، یا آنچه در زبان انگلیسی با لفظ speculation از آن یاد می کنند، میسر نیست، و گمانه زنی اینجانب، براساس آنچه گفتم، مرا به انتخاب پاسخ دوم سوق می دهد. در هر حال این کتاب به صورتبندی روابط وابستگی نحو زبان فارسی اختصاص دارد، و من در آن به چیزی نپرداختم جز صورت زبان، که آن را در یک کلام، همانا ماهیت و جوهر زبان نیز می دانم.

اما نگارش این کتاب را مدیون استادان و دوستان و همراهان و عزیزانی بوده ام که ذکر نام آنها در اینجا نه تنها کمترین نشانه قدردانی ام از آنان است، بلکه مایه خوشحالی فراوان خودم نیز هست: از استادانم ابوالحسن نجفی، علی اشرف صادقی، محمد دبیرمقدم و فرانتس گونتتر (Franz Goenther) که هر کدام به طریقی بنده را در پیدا کردن و ادامه دادن راهی که سال ها پیش پای در آن نهادم یاری دادند تشکر می کنم؛ از دوستان عزیزم علاءالدین طباطبایی و محمد راسخ مهند که بسیاری از مطالب این کتاب حاصل بحث های طولانی و مفصلی است که با آنها داشته ام سپاس گزارم؛ از همراهان صمیمی

و نازنینم، مهرداد نغزگوی کهن و محرم اسلامی که همواره برخوردار از تشویق‌ها و پشتیبانی‌های گرم و بی‌پایانشان بوده‌ام تشکر می‌کنم؛ از دوستان جوان عزیزم علی پیرحیاتی، مرضیه بدیعی، مسعود قیومی، مهربانو سیف‌اللهی، لعیا کبیری، مژگان معین، سارا کلالی و مرجان مکرم که با طرح سؤالات دقیق، و با عرضه شواهد واقعی از زبان، و نیز با پیش کشیدن بحث‌های انتقادی کوبنده و بی‌تعارف مرا متوجه وجود کاستی‌های بسیاری در کارم کردند سپاس گزارم؛ از آقای علی‌رضا رمضانی رئیس فرزانه نشر مرکز به بخاطر محبت‌ها و سعه صدری که در چاپ این کتاب بخرج دادند نهایت امتنان را دارم، و بالاخره قدردان همسر و فرزند دلبندم هستم که خود را زیر دین آنها می‌دانم، و این کتاب را به پاس تحملشان و دلگرمی‌هایی که در مدت نگارش آن به من دادند، به آنها تقدیم می‌دارم.

امید طیب‌زاده

آبان ۱۳۹۰

همدان

فصل یکم

مبانی نظری دستور وابستگی و نظریه گروه‌های خودگردان

در این فصل و در فصل بعد می‌کشیم تا مبانی نظری دیدگاه خود را با عنوان گروه‌های خودگردان، در چهارچوب نظریه وابستگی به اختصار و روشنی شرح دهیم و در عین حال برخی از علامت‌ها و نمادهایی را که در تمام کتاب از آنها استفاده کرده‌ایم، معرفی کنیم. ازین رو خواندن این سه فصل آغازین کتاب، اهمیت بسیاری در درک نگاه کلی حاکم بر کتاب دارد. نگارنده به خوانندگان مبتدی کتاب پیشنهاد می‌کند که فصل حاضر را، یک بار، حتی اگر شده به‌طور سراسری و به‌سرعت بخوانند و هیچ نگران این نباشند که آیا مفاد آن را بطور کامل درک کرده‌اند یا خیر، زیرا تمام مباحثی که در این فصل بصورت انتزاعی طرح می‌شود، در دو فصل بعد همراه با مثال‌های متعدد و شرح و توضیح مبسوط مجدداً تکرار می‌شود. همچنین پیشنهاد می‌شود که خوانندگان مبتدی پس از مطالعه فصل دوم و سوم، مجدداً اما این بار با دقت و تأنی بیشتر، فصل حاضر را بخوانند تا مباحث نظری کتاب را که بسیار ساده و محدود است بخوبی درک کنند. همچنین نگارنده به خوانندگان زبان‌شناس و دستوردان خود پیشنهاد می‌کند که پس از خواندن سه فصل آغازین کتاب، به مطالعه فصل هجدهم، «گروه‌های خودگردان، روابط وابستگی، و ترتیب کلمات»، بپردازند تا با نگاه نظری حاکم بر این کتاب بخوبی آشنا شوند. اینان سپس می‌توانند هم از بخش‌های گوناگون کتاب حاضر به عنوان کتابی مرجع استفاده کنند، و هم در صورت لزوم بسیاری از مباحث کتاب را در چهارچوب نظری خودشان بازسازی و بازنویسی کنند.

دو فرض اصلی: پنج عنصر در هر گروه، و روابط وابستگی میان آنها

دو فرض اصلی ما در این کتاب از این قرار است که اولاً هر گروه نحوی، چه جمله باشد و چه گروه کوچک‌تری همچون گروه اسمی یا صفتی و غیره، در نهایت از بیش از پنج نوع عنصر تشکیل نمی‌شود، و ثانیاً ساخت هر گروه را تنها از طریق شرح روابط وابستگی در میان همین پنج عنصر می‌توان